



بوی انار و انتحاری

یادداشت‌های روزانه هادی معصومی زارع
از نبرد با داعش در حویجه عراق

به جای مقدمه {۷}

پیشانویشت {۹}

جمعه سی و یکم شهریور ۱۳۹۶ {۱۱}

شنبه یکم مهر ۱۳۹۶ {۲۳}

یکشنبه دوم مهر ۱۳۹۶ {۴۵}

دوشنبه سوم مهر ۱۳۹۶ {۶۷}

سه شنبه چهارم مهر ۱۳۹۶ {۸۱}

چهارشنبه پنجم مهر ۱۳۹۶ {۹۵}

پنجشنبه ششم مهر ۱۳۹۶ {۱۰۹}

جمعه هفتم مهر ۱۳۹۶ {۱۲۱}

شنبه هشتم مهر ۱۳۹۶ {۱۵۳}

یکشنبه نهم مهر ۱۳۹۶ {۱۷۱}

دوشنبه دهم مهر ۱۳۹۶ {۱۸۱}

سه شنبه یازدهم مهر ۱۳۹۶ {۱۹۹}

چهارشنبه دوازدهم مهر ۱۳۹۶ {۲۲۳}

پنجشنبه سیزدهم مهر ۱۳۹۶ {۲۴۵}

جمعه چهاردهم مهر ۱۳۹۶ {۲۶۷}

پیشانویشت ها {۲۷۹}

تصاویر {۳۱۷}

این برگ سبز، تحفه‌ای است از تکرارناپذیرترین روزهای خوب حیات این درویش که حالا بازگشت به آن خواب و رؤیای هر شب‌اش شده است. روزهای آغازین شمارش معکوس پایان خلافت داعش در عراق و سوریه! از قلب معركة نبرد با سربازان ابوبکرالبغدادی در نخستین ماه پاییزی سال ۱۳۹۶ در شهر حویجه عراق! آنجا که معدود سربازان باقی‌مانده خلیفه، با ارابه‌های مرگ از باغ‌های انار و انگور خارج شده و از گوشت و پوست‌شان، کوهی از آتش می‌ساختند تا مگر چند روزی مرگ آرمان‌شهر تحقق یافته خلافت را به تاخیر اندازند.

سیاهه پیش‌رو، سیری از اتفاقات و حوادثی است که خلال ۱۵ روز حضور نویسنده در قلب معركة درقاب چشمان او نشسته است و حالا این خسته بازگشته از میدان، می‌کوشد آن را با خواننده شریک سازد.

متن فعلی «بوی انار و انتحاری» از حیث محتوایی تقریباً همان متن نوشته‌شده در آذرماه ۱۳۹۶ است و به‌جز تغییراتی از حیث ادبی و کاهش نیمی از متن اولیه کتاب، تغییر خاصی نداشته شده است. به‌طور معین متن نخست حاوی بیش از یکصد و پنجاه قطعه جامعه‌شناختی-تحلیلی درباره جامعه عراق، نهادهای نظامی و امنیتی عراق، سنن، آداب و تقالید اجتماعی و فرهنگی، جهادگرایان سلفی، روابط ایران و عراق، روابط ایالات متحده و عراق و موضوعاتی از این دست در متن اثر بود که در ویرایش جدید به حدود پنجاه قطعه کاهش یافته است. نیز آن‌که بافتار و ادبیات متفاوت این قطعات که بیشتر رنگ و صبغه آکادمیک و پژوهشی دارند و می‌توانست خستگی مخاطب داستانی را به دنبال داشته باشد، منجر به آن شد که بخش‌های باقی‌مانده به انتهای کتاب انتقال یابند. این قطعات بیش از هر چیز می‌تواند برای پژوهشگران حوزه مطالعات منطقه‌ای و عراق جذابیت داشته باشد.

نویسنده عمیقاً معتقد است که روش‌شناسی معرفت منطقه‌ای ما در ایران، عمدتاً متأثر از برساخته‌های ذهنی، امیال و ترجیحات سیاست‌سازان و تحلیلگران مان، و بخش دیگری از آن، ترجمانی از فراورده‌های تولیدی خط

رایج رسانه‌ای بین‌المللی و منطقه‌ای است! در چنین وضعیتی، فهم و تفهم واقع، امری پسینی، متأخر، دست‌دوم، و در بهترین حالت، زینت‌المجالس است و نه پیش‌نیاز حیاتی سیاست‌سازی و تصمیم‌گیری و تحلیل!

«بوی انار و انتحاری»، گامی است در تلاش برای جمع میان فرآورده‌های کتابخانه‌ای و میدانی و پرهیز از انتزاعیات در حال چرخش در محافل بسته تصمیم‌سازی این دیوار! در نتیجه، این وجیزه، نه خاطره‌گویی و داستان‌سرایی صرف است و نه از سنخ پژوهش‌های آکادمیک! تجربه‌ای است میان این دو! پیشنهاد می‌شود خواننده گرامی، برای فهم بهتر پاره‌ای از اتفاقات و تحولات مورد اشاره در این اثر، دو کتاب دیگر نویسنده را نیز مرور کند. کتاب نخست با عنوان «روایت جذب»، تلاشی است علمی برای پاسخ به دلایل و اسباب گرایش به جنبش‌های جهادگرای سلفی؛ کتاب دوم نیز با عنوان «از فرانکفورت تا رقه»، مجموعه مصاحبه‌های نویسنده با برخی از فرماندهان و اعضای گروه القاعده و داعش و خانواده‌های ایشان است که توسط همین ناشر عرضه شده است. این سه کتاب، از دیدگاه نویسنده آن‌ها، مکمل یکدیگرند؛ البته هر یک با ادبیات و سبکی متفاوت!

بی‌شک تولید این اثر، پس از لطف الهی، بیش از هر چیز، مدیون همراهی سنگ صبور زندگی، همسر گرامی‌ام، و نیز پسران دلبندم بوده است که بی‌هیچ منت و اعتراضی، با کاستی‌ها و رنج‌های زندگی یک مرد خانه‌به‌دوش و بودن‌های کم‌رنگش ساخته‌اند و زنجیری بر پای گریزان و بی‌قرار او نشده‌اند. حقا که یار شاطر بوده‌اند؛ نه بار خاطر!

نازکان را سفر عشق حرام است و حرام
که به هر گام درین ره، خطری نیست که نیست

هادی معصومی زارع

قریه معلای قم

۲۶ آذرماه ۱۳۹۷